



اصطلاحات و عبارات کاربردی رایج عربی (سطح متوسط تا پیشرفته)

تهیه شده توسط چرب زبان

على الرحب
والسعة

في أمان الله

من باب أولى

أهلاً وسهلاً

لا محالة

على قدر
المسؤولية

فُصَاة

تَعْبِير

طَلَاة

مَعْنَى

راهنمای استفاده

این مجموعه برای زبان‌آموزانی طراحی شده است که با ساختارهای پایه عربی آشنا هستند و می‌خواهند دامنه بیان خود را در گفت‌وگو، نوشتار رسمی، محیط کار و موقعیت‌های روزمره گسترش دهند. هر مدخل چهار بخش دارد: عبارت عربی، تلفظ تقریبی با خط فارسی، معنی فارسی و یک مثال کامل با ترجمه. تلفظ‌ها تقریبی‌اند و برای نزدیک شدن به تلفظ معیار عربی نوشته شده‌اند. در خواندن، تفاوت‌های ظریف میان برخی لهجه‌ها ممکن است شنیده شود؛ با این حال، عبارت‌های این دفتر عمدتاً در عربی معیار قابل استفاده‌اند. پیشنهاد می‌شود ابتدا عبارت را با صدای بلند بخوانید، سپس مثال را بدون نگاه کردن به ترجمه بازسازی کنید و در پایان یک جمله شخصی با همان الگو بسازید.

فهرست فصل‌ها

- ۱. گفت‌وگوی روزمره و تعامل اجتماعی
- ۲. نظر دادن و استدلال
- ۳. موافقت، مخالفت و مذاکره
- ۴. کار، تحصیل و برنامه‌ریزی
- ۵. احساسات و واکنش‌ها
- ۶. مشکل، علت و راه‌حل
- ۷. زمان، ترتیب و تغییر
- ۸. روابط، اعتماد و مسئولیت
- ۹. سفر، خدمات و موقعیت‌های رسمی
- ۱۰. جمع‌بندی، تأکید و عبارات پیشرفته

۱. گفت‌وگوی روزمره و تعامل اجتماعی

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

کیف حالک؟

عبارت: کیف حالک؟

تلفظ: کَیْفَ حَالُک؟

ترجمه: حالت چطور است؟

مثال: کیف حالک الیوم؟ اُتمنی أن تكون بخیر.

تلفظ مثال: کَیْفَ حَالُکَ الْیَوْمَ؟ اُتَمْنِیْ أَنْ تَکُونَ بِخَیْر.

ترجمه مثال: امروز حالت چطور است؟ امیدوارم خوب باشی.

سُرَرْتُ بِلِقَائِکَ

عبارت: سُرَرْتُ بِلِقَائِکَ

تلفظ: سُرِرْتُ بِلِقَائِکَ

ترجمه: از دیدنت خوشحال شدم.

مثال: سُرَرْتُ بِلِقَائِکَ، وَأَرْجُو أَنْ نَلْتَقِيَ مَرَّةً أُخْرَى.

تلفظ مثال: سُرِرْتُ بِلِقَائِکَ، وَأَرْجُو أَنْ نَلْتَقِيَ مَرَّةً أُخْرَى.

ترجمه مثال: از دیدنت خوشحال شدم و امیدوارم دوباره همدیگر را ببینیم.

لا علیک

عبارت: لا علیک

تلفظ: لَا عَلَیْکَ

ترجمه: اشکالی ندارد؛ ناراحت نباش.

مثال: آسف لِأَنَّنِي تَأَخَّرْتُ. - لَا عَلَیْکَ، الْمَهْمُ أَنْکَ وَصَلْتَ.

تلفظ مثال: آسِفٌ لِأَنَّنِي تَأَخَّرْتُ. - لَا عَلَیْکَ، الْمُهْمُ أَنْکَ وَصَلْتَ.

ترجمه مثال: ببخشید که دیر کردم. - اشکالی ندارد، مهم این است که رسیدی.

على الرحب والسعة

عبارة: على الرحب والسعة

تلفظ: عَلَى الرَّحْبِ وَالسَّعَةِ

ترجمه: خواهش می‌کنم؛ باعث افتخار است.

مثال: شکراً لمساعدتك. - على الرحب والسعة.

تلفظ مثال: شُكْرًا لِمُسَاعَدَتِكَ. - عَلَى الرَّحْبِ وَالسَّعَةِ.

ترجمه مثال: ممنون از کمکت. - خواهش می‌کنم.

لم أقصد ذلك

عبارة: لم أقصد ذلك

تلفظ: لَمْ أَقْصِدْ ذَلِكَ

ترجمه: منظورم این نبود.

مثال: أفهم أنك غاضب، لكنني لم أقصد ذلك.

تلفظ مثال: أَفْهَمُ أَنَّكَ غَاظِبٌ، لَكِنِّي لَمْ أَقْصِدْ ذَلِكَ.

ترجمه مثال: می‌فهمم عصبانی هستی، اما منظورم این نبود.

الأمر يعود إليك

عبارة: الأمر يعود إليك

تلفظ: الْأَمْرُ يَعُودُ إِلَيْكَ

ترجمه: تصمیم با توست.

مثال: شرحت لك الخيارات، والأمر يعود إليك.

تلفظ مثال: شَرَحْتُ لَكَ الْخِيَارَاتِ، وَالْأَمْرُ يَعُودُ إِلَيْكَ.

ترجمه مثال: گزینه‌ها را برایت توضیح دادم؛ تصمیم با توست.

خذ وقتك

عبارت: خذ وقتك

تلفظ: خُذْ وَقْتَكْ

ترجمه: عجله نکن؛ وقتت را بگذار.

مثال: لا تتعجل في الإجابة، خذ وقتك.

تلفظ مثال: لا تَتَعَجَّلْ فِي الإِجَابَةِ، خُذْ وَقْتَكْ.

ترجمه مثال: برای پاسخ دادن عجله نکن، وقتت را بگذار.

على كل حال

عبارت: على كل حال

تلفظ: عَلَى كُلِّ حَالٍ

ترجمه: به هر حال.

مثال: على كل حال، علينا أن نبدأ الآن.

تلفظ مثال: عَلَى كُلِّ حَالٍ، عَلَيْنَا أَنْ نَبْدَأَ الآنَ.

ترجمه مثال: به هر حال، باید الآن شروع کنیم.

۲. نظر دادن و استدلال

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

في رأيي

عبارت: في رأيي

تلفظ: فِی رَایِی

ترجمه: به نظر من.

مثال: في رأيي، الحل الأبسط هو الأفضل.

تلفظ مثال: فِی رَایِی، الحَلُّ الأبْسطُ هُوَ الأفضَلُ.

ترجمه مثال: به نظر من، ساده‌ترین راه حل بهترین است.

من وجهة نظري

عبارت: من وجهة نظري

تلفظ: مِنْ وَجْهَةِ نَظْری

ترجمه: از دیدگاه من.

مثال: من وجهة نظري، ينبغي مراجعة الخطة.

تلفظ مثال: مِنْ وَجْهَةِ نَظْری، یَنْبَغِی مُراجَعَةُ الخُطَّةِ.

ترجمه مثال: از دیدگاه من، باید طرح بازبینی شود.

لا شك في أن

عبارت: لا شك في أن

تلفظ: لَا شَكَّ فِی أَنَّ

ترجمه: تردیدی نیست که.

مثال: لا شك في أن التعليم أساس التقدم.

تلفظ مثال: لَا شَكَّ فِی أَنَّ التَّعْلِيمَ أَساسُ التَّقدُّمِ.

ترجمه مثال: تردیدی نیست که آموزش پایه پیشرفت است.

من ناحية أخرى

عبارت: من ناحية أخرى

تلفظ: مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى

ترجمه: از سوی دیگر.

مثال: المشروع مفيد، لكن من ناحية أخرى يحتاج إلى تمويل.

تلفظ مثال: الْمَشْرُوعُ مُفِيدٌ، لَكِنْ مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى يَحْتَاجُ إِلَى تَمْوِيلٍ.

ترجمه مثال: پروژه مفید است، اما از سوی دیگر به تأمین مالی نیاز دارد.

بصرف النظر عن

عبارت: بصرف النظر عن

تلفظ: بِصَرَفِ النَّظَرِ عَنِ

ترجمه: صرف نظر از.

مثال: بصرف النظر عن النتائج، كانت التجربة مفيدة.

تلفظ مثال: بِصَرَفِ النَّظَرِ عَنِ النَّتَائِجِ، كَانَتِ التَّجَرِبَةُ مُفِيدَةً.

ترجمه مثال: صرف نظر از نتایج، تجربه مفید بود.

لا أتفق معك تماماً

عبارت: لا أتفق معك تماماً

تلفظ: لَا أَتَّفِقُ مَعَكَ تَمَاماً

ترجمه: کاملاً با تو موافق نیستم.

مثال: أفهم حجَّتكَ، لكنني لا أتفق معك تماماً.

تلفظ مثال: أَفْهَمُ حُجَّتَكَ، لَكِنِّي لَا أَتَّفِقُ مَعَكَ تَمَاماً.

ترجمه مثال: استدالت را می فهمم، اما کاملاً با تو موافق نیستم.

هذا لا يعني بالضرورة أن

عبارة: هذا لا يعني بالضرورة أن

تلفظ: هذا لا يعنى بِالضَّرُورَةِ أَنْ

ترجمه: این لزوماً به این معنا نیست که.

مثال: ارتفاع السعر لا يعني بالضرورة أن الجودة أفضل.

تلفظ مثال: إِرْتِفَاعُ السَّعْرِ لَا يَعْنِي بِالضَّرُورَةِ أَنَّ الْجَوْدَةَ أَفْضَلُ.

ترجمه مثال: بالا بودن قیمت لزوماً به معنای بهتر بودن کیفیت نیست.

من المنطقي أن

عبارة: من المنطقي أن

تلفظ: مِنَ الْمَنْطِقِيِّ أَنْ

ترجمه: منطقی است که.

مثال: من المنطقي أن نتحقق من المعلومات أولاً.

تلفظ مثال: مِنَ الْمَنْطِقِيِّ أَنْ نَتَحَقَّقَ مِنَ الْمَعْلُومَاتِ أَوَّلًا.

ترجمه مثال: منطقی است که ابتدا اطلاعات را بررسی کنیم.

۳. موافقت، مخالفت و مذاکره

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

أُتْفِقُ مَعَكَ تَمَاماً

عبارت: أُتْفِقُ مَعَكَ تَمَاماً

تلفظ: أُتْفِقُ مَعَكَ تَمَاماً

ترجمه: کاملاً با تو موافقم.

مثال: أُتْفِقُ مَعَكَ تَمَاماً، وهذه نقطة مهمة.

تلفظ مثال: أُتْفِقُ مَعَكَ تَمَاماً، وهذه نقطة مهمة.

ترجمه مثال: کاملاً با تو موافقم؛ این نکته مهمی است.

هذا أمر قابل للنقاش

عبارت: هذا أمر قابل للنقاش

تلفظ: هذا أمر قابل للنقاش

ترجمه: این موضوع قابل بحث است.

مثال: الاقتراح جيد، لكنه أمر قابل للنقاش.

تلفظ مثال: الإقتراح جيد، لكنّه أمر قابل للنقاش.

ترجمه مثال: پیشنهاد خوب است، اما قابل بحث است.

لنضع ذلك جانبا

عبارت: لنضع ذلك جانبا

تلفظ: لِنَضَع ذَلِكَ جَانِباً

ترجمه: فعلاً این را کنار بگذاریم.

مثال: لنضع ذلك جانبا ونركز على المشكلة الأساسية.

تلفظ مثال: لِنَضَع ذَلِكَ جَانِباً وَنُرَكِّزُ عَلَى الْمُسْكِلةِ الْأَسَاسِيَّةِ.

ترجمه مثال: فعلاً این را کنار بگذاریم و بر مشکل اصلی تمرکز کنیم.

دعنا نصل إلى حل وسط

عبارت: دعنا نصل إلى حل وسط

تلفظ: دَعْنَا نَصِلْ إِلَى حَلٍّ وَسَطٍ

ترجمه: بیایید به راه حل میانه برسیم.

مثال: يمكننا أن نتنازل قليلاً وندعنا نصل إلى حل وسط.

تلفظ مثال: يُمَكِّنُنَا أَنْ نَتَنَازَلَ قَلِيلًا وَدَعْنَا نَصِلْ إِلَى حَلٍّ وَسَطٍ.

ترجمه مثال: می توانیم کمی کوتاه بیاییم و به راه حل میانه برسیم.

هذا غير وارد

عبارت: هذا غير وارد

تلفظ: هَذَا غَيْرُ وَارِدٍ

ترجمه: این امکان پذیر نیست.

مثال: طلبك مفهوم، لكن تنفيذه هذا الشهر غير وارد.

تلفظ مثال: طَلَبُكَ مَفْهُومٌ، لَكِنْ تَنْفِيزُهُ هَذَا الشَّهْرُ غَيْرُ وَارِدٍ.

ترجمه مثال: درخواست قابل درک است، اما اجرای آن این ماه ممکن نیست.

أقدر وجهة نظرك

عبارت: أقدر وجهة نظرك

تلفظ: أَقْدَرُ وَجْهَةَ نَظَرِكَ

ترجمه: برای دیدگاهت ارزش قائلم.

مثال: أقدر وجهة نظرك، حتى لو اختلفنا.

تلفظ مثال: أَقْدَرُ وَجْهَةَ نَظَرِكَ، حَتَّى لَوْ اِخْتَلَفْنَا.

ترجمه مثال: برای دیدگاهت ارزش قائلم، حتی اگر اختلاف نظر داشته باشیم.

لنکن واقعیین

عبارت: لنکن واقعیین

تلفظ: لِنَکُنْ وَاقِعِیِّینَ

ترجمه: واقعیین باشیم.

مثال: لنکن واقعیین؛ الوقت المتاح قصیر.

تلفظ مثال: لِنَکُنْ وَاقِعِیِّینَ؛ الْوَقْتُ الْمُتَاحُ قَصِیر.

ترجمه مثال: واقعیین باشیم؛ زمان موجود کم است.

الأدلة تشير إلى أن

عبارت: الأدلة تشير إلى أن

تلفظ: الْأَدِلَّةُ تُشِيرُ إِلَى أَنَّ

ترجمه: شواهد نشان می دهند که.

مثال: الأدلة تشير إلى أن القرار كان صائباً.

تلفظ مثال: الْأَدِلَّةُ تُشِيرُ إِلَى أَنَّ الْقَرَارَ كَانَ صَائِباً.

ترجمه مثال: شواهد نشان می دهند که تصمیم درست بوده است.

۴. کار، تحصیل و برنامه‌ریزی

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

سأضع ذلك في الحسبان

عبارت: سأضع ذلك في الحسبان

تلفظ: سَأَضَعُ ذَلِكَ فِي الْحُسْبَانِ

ترجمه: آن را در نظر خواهم گرفت.

مثال: سأضع ملاحظاتي في الحسبان عند إعداد التقرير.

تلفظ مثال: سَأَضَعُ مُلَاحَظَاتِي فِي الْحُسْبَانِ عِنْدَ إِعْدَادِ التَّقْرِيرِ.

ترجمه مثال: هنگام تهیه گزارش، ملاحظات را در نظر می‌گیرم.

حان الوقت لـ

عبارت: حان الوقت لـ

تلفظ: حَانَ الْوَقْتُ لـ

ترجمه: وقت ... رسیده است.

مثال: حان الوقت لاتخاذ خطوة عملية.

تلفظ مثال: حَانَ الْوَقْتُ لِاتِّخَاذِ خُطْوَةٍ عَمَلِيَّةٍ.

ترجمه مثال: وقت برداشتن یک گام عملی رسیده است.

على المدى الطويل

عبارت: على المدى الطويل

تلفظ: عَلَى الْمَدَى الطَّوِيلِ

ترجمه: در بلندمدت.

مثال: هذا الاستثمار مفيد على المدى الطويل.

تلفظ مثال: هَذَا الْإِسْتِثْمَارُ مُفِيدٌ عَلَى الْمَدَى الطَّوِيلِ.

ترجمه مثال: این سرمایه‌گذاری در بلندمدت مفید است.

في الوقت المحدد

عبارت: في الوقت المحدد

تلفظ: فِي الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ

ترجمه: در زمان مقرر.

مثال: وصلت الوثائق في الوقت المحدد.

تلفظ مثال: وَصَلَتِ الْوُثَائِقُ فِي الْوَقْتِ الْمَحْدَدِ.

ترجمه مثال: مدارک در زمان مقرر رسیدند.

من الأفضل أن

عبارت: من الأفضل أن

تلفظ: مِنْ الْأَفْضَلِ أَنْ

ترجمه: بهتر است که.

مثال: من الأفضل أن نراجع العقد قبل التوقيع.

تلفظ مثال: مِنْ الْأَفْضَلِ أَنْ نُرَاجِعَ الْعَقْدَ قَبْلَ التَّوْقِيعِ.

ترجمه مثال: بهتر است پیش از امضا قرارداد را بررسی کنیم.

لا يزال قيد الدراسة

عبارت: لا يزال قيد الدراسة

تلفظ: لَا يَزَالُ قَيَّدَ الدِّرَاسَةِ

ترجمه: هنوز در دست بررسی است.

مثال: الاقتراح لا يزال قيد الدراسة.

تلفظ مثال: الْإِقْتِرَاحُ لَا يَزَالُ قَيَّدَ الدِّرَاسَةِ.

ترجمه مثال: پیشنهاد هنوز در دست بررسی است.

أحرز تقدماً ملحوظاً

عبارة: أحرز تقدماً ملحوظاً

تلفظ: أَحْرَزَ تَقْدُماً مَلْحُوظاً

ترجمه: پیشرفت چشمگیری کرد.

مثال: أحرز الفريق تقدماً ملحوظاً خلال الشهر الماضي.

تلفظ مثال: أَحْرَزَ الْفَرِيقُ تَقْدُماً مَلْحُوظاً خِلَالِ الشَّهْرِ الْمَاضِي.

ترجمه مثال: تیم در ماه گذشته پیشرفت چشمگیری کرد.

يتطلب الأمر مزيداً من الوقت

عبارة: يتطلب الأمر مزيداً من الوقت

تلفظ: يَتَطَلَّبُ الْأَمْرُ مَزِيداً مِنَ الْوَقْتِ

ترجمه: موضوع به زمان بیشتری نیاز دارد.

مثال: يتطلب الأمر مزيداً من الوقت للوصول إلى نتيجة دقيقة.

تلفظ مثال: يَتَطَلَّبُ الْأَمْرُ مَزِيداً مِنَ الْوَقْتِ لِلْوُصُولِ إِلَى نَتِيجَةٍ دَقِيقَةٍ.

ترجمه مثال: رسیدن به نتیجه دقیق به زمان بیشتری نیاز دارد.

۵. احساسات و واکنش‌ها

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

أشعر بالارتياح

عبارت: أشعر بالارتياح

تلفظ: أَشْعُرُ بِالْإِرْتِيَاحِ

ترجمه: احساس آرامش/راحتی می‌کنم.

مثال: بعد اتمام امتحان، أشعر بالارتياح.

تلفظ مثال: بَعْدَ إِنْتِهَاءِ الْإِمْتِحَانِ، أَشْعُرُ بِالْإِرْتِيَاحِ.

ترجمه مثال: بعد از پایان امتحان احساس آرامش می‌کنم.

لا داعي للقلق

عبارت: لا داعي للقلق

تلفظ: لَا دَاعِيَ لِلْقَلْقِ

ترجمه: دلیلی برای نگرانی نیست.

مثال: لا داعي للقلق، فقد اتخذنا الاحتياطات اللازمة.

تلفظ مثال: لَا دَاعِيَ لِلْقَلْقِ، فَقَدْ اتَّخَذْنَا الْإِحْتِيَاظَاتِ الْإِلَازِمَةَ.

ترجمه مثال: دلیلی برای نگرانی نیست؛ اقدامات لازم را انجام داده‌ایم.

فوجئت بـ

عبارت: فوجئت بـ

تلفظ: فَوَجِئْتُ بِـ

ترجمه: از ... غافلگیر/متعجب شدم.

مثال: فوجئت بسرعة استجابته للطلب.

تلفظ مثال: فَوَجِئْتُ بِسُرْعَةِ إِسْتِجَابَتِهِ لِلطَّلَبِ.

ترجمه مثال: از سرعت پاسخ او به درخواست شگفت‌زده شدم.

أشعر بخيبة أمل

عبارة: أشعر بخيبة أمل

تلفظ: أَشْعُرُ بِخَيْبَةٍ أَمَلٍ

ترجمه: احساس ناامیدی می‌کنم.

مثال: أشعر بخيبة أمل، لكنني لن أستسلم.

تلفظ مثال: أَشْعُرُ بِخَيْبَةٍ أَمَلٍ، لَكِنِّي لَنْ أَسْتَسْلِمَ.

ترجمه مثال: احساس ناامیدی می‌کنم، اما تسلیم نمی‌شوم.

هذا يبعث على التفاؤل

عبارة: هذا يبعث على التفاؤل

تلفظ: هَذَا يَبْعَثُ عَلَى التَّفَاوُلِ

ترجمه: این مایه خوش بینی است.

مثال: ارتفاع نسبة النجاح يبعث على التفاؤل.

تلفظ مثال: إِرْتِفَاعُ نِسْبَةِ النِّجَاحِ يَبْعَثُ عَلَى التَّفَاوُلِ.

ترجمه مثال: افزایش میزان موفقیت مایه خوش بینی است.

لا أستطيع أن أتجاهل

عبارة: لا أستطيع أن أتجاهل

تلفظ: لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَتَجَاهَلَ

ترجمه: نمی‌توانم نادیده بگیرم.

مثال: لا أستطيع أن أتجاهل هذه الملاحظة المهمة.

تلفظ مثال: لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَتَجَاهَلَ هَذِهِ الْمُلَاحَظَةَ الْمُهْمَّةَ.

ترجمه مثال: نمی‌توانم این نکته مهم را نادیده بگیرم.

أشعر بأني محاصر

عبارت: أشعر بأني محاصر

تلفظ: أَشْعُرُ بِأَنِّي مُحَاصَرٌ

ترجمه: احساس می‌کنم گرفتار شده‌ام.

مثال: أشعر بأني محاصر بين خيارين صعبين.

تلفظ مثال: أَشْعُرُ بِأَنِّي مُحَاصَرٌ بَيْنَ خِيَارَيْنِ صَعْبَيْنِ.

ترجمه مثال: احساس می‌کنم میان دو انتخاب دشوار گرفتار شده‌ام.

هذا يفوق التوقعات

عبارت: هذا يفوق التوقعات

تلفظ: هَذَا يَفُوقُ التَّوَقُّعَاتِ

ترجمه: این فراتر از انتظارهاست.

مثال: النتيجة النهائية تفوق التوقعات.

تلفظ مثال: النَّتِيجَةُ النَّهَائِيَّةُ تَفُوقُ التَّوَقُّعَاتِ.

ترجمه مثال: نتیجه نهایی فراتر از انتظارهاست.

۶. مشکل، علت و راه حل

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

تکمن المشكلة في

عبارت: تکمن المشكلة في

تلفظ: تَكْمُنُ الْمُسْكِلةُ فِي

ترجمه: مشکل در ... نهفته است.

مثال: تکمن المشكلة في غياب المعلومات الدقيقة.

تلفظ مثال: تَكْمُنُ الْمُسْكِلةُ فِي غِيَابِ الْمَعْلُومَاتِ الدَّقِيقَةِ.

ترجمه مثال: مشکل در نبود اطلاعات دقیق نهفته است.

ينبغي معالجة الأمر

عبارت: ينبغي معالجة الأمر

تلفظ: يَنْبَغِي مُعَالَجَةُ الْأَمْرِ

ترجمه: باید به موضوع رسیدگی شود.

مثال: ينبغي معالجة الأمر قبل أن يتفاقم.

تلفظ مثال: يَنْبَغِي مُعَالَجَةُ الْأَمْرِ قَبْلَ أَنْ يَتَّفَاقَمَ.

ترجمه مثال: باید پیش از وخیم‌تر شدن، به موضوع رسیدگی شود.

على عاتقنا أن

عبارت: على عاتقنا أن

تلفظ: عَلَيَّ عَاتِقِنَا أَنْ

ترجمه: بر عهده ماست که.

مثال: على عاتقنا أن نضمن سلامة المستخدمين.

تلفظ مثال: عَلَيَّ عَاتِقِنَا أَنْ نَضْمَنَ سَلَامَةَ الْمُسْتَحْدِمِينَ.

ترجمه مثال: بر عهده ماست که ایمنی کاربران را تضمین کنیم.

بغض النظر عن السبب

عبارت: بغض النظر عن السبب

تلفظ: بِغَضِّ النَّظَرِ عَنِ السَّبَبِ

ترجمه: صرف نظر از علت.

مثال: بغض النظر عن السبب، علينا إصلاح الخطأ.

تلفظ مثال: بِغَضِّ النَّظَرِ عَنِ السَّبَبِ، عَلَيْنَا إِصْلَاحُ الْخَطَأِ.

ترجمه مثال: صرف نظر از علت، باید اشتباه را اصلاح کنیم.

لا مفر من

عبارت: لا مفر من

تلفظ: لَا مَفْرَ مِنْ

ترجمه: راه گریزی از ... نیست.

مثال: لا مفر من اتخاذ قرار صعب.

تلفظ مثال: لَا مَفْرَ مِنْ اتِّخَاذِ قَرَارٍ صَعْبٍ.

ترجمه مثال: راه گریزی از گرفتن تصمیمی دشوار نیست.

تجاوزت المشكلة حدودها

عبارت: تجاوزت المشكلة حدودها

تلفظ: تَجَاوَزَتِ الْمُسْكَلَةُ حُدُودَهَا

ترجمه: مشکل از حد گذشته است.

مثال: تجاوزت المشكلة حدودها وأصبحت تؤثر في الجميع.

تلفظ مثال: تَجَاوَزَتِ الْمُسْكَلَةُ حُدُودَهَا وَأَصْبَحَتْ تُؤَثِّرُ فِي الْجَمِيعِ.

ترجمه مثال: مشکل از حد گذشته و بر همه اثر گذاشته است.

من شأن هذا أن

عبارت: من شأن هذا أن

تلفظ: مِنْ شَأْنِ هَذَا أَنْ

ترجمه: این می تواند باعث شود که.

مثال: من شأن هذا أن يحسن جودة الخدمة.

تلفظ مثال: مِنْ شَأْنِ هَذَا أَنْ يُحَسِّنَ جَوَدَةَ الْخِدْمَةِ.

ترجمه مثال: این می تواند کیفیت خدمات را بهبود دهد.

تجنباً لـ

عبارت: تجنباً لـ

تلفظ: تَجَنُّباً لـ

ترجمه: برای جلوگیری از.

مثال: تجنباً للتأخير، أرسلنا الوثائق مسبقاً.

تلفظ مثال: تَجَنُّباً لِلتَّأْخِيرِ، أَرْسَلْنَا الْوُثَائِقَ مُسَبِّقاً.

ترجمه مثال: برای جلوگیری از تأخیر، مدارک را از قبل فرستادیم.

۷. زمان، ترتیب و تغییر

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

في نهاية المطاف

عبارت: في نهاية المطاف

تلفظ: فِي نِهَآيَةِ الْمَطَافِ

ترجمه: در نهایت.

مثال: في نهاية المطاف، ظهرت الحقيقة.

تلفظ مثال: فِي نِهَآيَةِ الْمَطَافِ، ظَهَرَتِ الْحَقِيقَةُ.

ترجمه مثال: در نهایت، حقیقت آشکار شد.

منذ ذلك الحين

عبارت: منذ ذلك الحين

تلفظ: مُنْذُ ذَلِكَ الْحَيْنِ

ترجمه: از آن زمان تاکنون.

مثال: منذ ذلك الحين، لم نواجه المشكلة نفسها.

تلفظ مثال: مُنْذُ ذَلِكَ الْحَيْنِ، لَمْ نُوَاجِهِ الْمُسْكَلَةَ نَفْسَهَا.

ترجمه مثال: از آن زمان تاکنون با همان مشکل روبه‌رو نشده‌ایم.

شيئاً فشيئاً

عبارت: شيئاً فشيئاً

تلفظ: شَيْئاً فَشَيْئاً

ترجمه: کم‌کم.

مثال: تحسن مستواه شيئاً فشيئاً.

تلفظ مثال: تَحَسَّنَ مُسْتَوَاهُ شَيْئاً فَشَيْئاً.

ترجمه مثال: سطح او کم‌کم بهتر شد.

في غضون

عبارت: في غضون

تلفظ: فِي غُضُونٍ

ترجمه: در عرض ... / ظرفِ ...

مثال: سأرسل لك الرد في غضون يومين.

تلفظ مثال: سَأَرْسِلُ لَكَ الرَّدَّ فِي غُضُونِ يَوْمَيْنِ.

ترجمه مثال: پاسخ را ظرف دو روز برایت می فرستم.

ما إن ... حتى

عبارت: ما إن ... حتى

تلفظ: مَا إِنْ ... حَتَّى

ترجمه: همین که ...، بلافاصله ...

مثال: ما إن وصل حتى بدأ الاجتماع.

تلفظ مثال: مَا إِنْ وَصَلَ حَتَّى بَدَأَ الْإِجْتِمَاعَ.

ترجمه مثال: همین که رسید، جلسه شروع شد.

على نحو متزايد

عبارت: على نحو متزايد

تلفظ: عَلَى نَحْوٍ مُتَزَايِدٍ

ترجمه: به طور فزاینده.

مثال: تزداد الحاجة إلى هذه الخدمة على نحو متزايد.

تلفظ مثال: تَزْدَادُ الْحَاجَةُ إِلَى هَذِهِ الْخِدْمَةِ عَلَى نَحْوٍ مُتَزَايِدٍ.

ترجمه مثال: نیاز به این خدمت به طور فزاینده بیشتر می شود.

في الآونة الأخيرة

عبارة: في الآونة الأخيرة

تلفظ: فِي الْآوْنَةِ الْأَخِيرَةِ

ترجمه: اخیراً.

مثال: في الآونة الأخيرة، تغيرت طريقة العمل.

تلفظ مثال: فِي الْآوْنَةِ الْأَخِيرَةِ، تَغَيَّرَت طَرِيقَةُ الْعَمَلِ.

ترجمه مثال: اخیراً روش کار تغییر کرده است.

كلما ... ازداد

عبارة: كلما ... ازداد

تلفظ: كُلَّمَا ... إِزْدَادَ

ترجمه: هرچه ... بیشتر ...

مثال: كلما قرأت أكثر، ازداد فهمك للموضوع.

تلفظ مثال: كُلَّمَا قَرَأْتَ أَكْثَرَ، إِزْدَادَ فَهْمُكَ لِلْمَوْضُوعِ.

ترجمه مثال: هرچه بیشتر بخوانی، درکت از موضوع بیشتر می شود.

۸. روابط، اعتماد و مسئولیت

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

أضع ثقتي فيك

عبارت: أضع ثقتي فيك

تلفظ: أَضَعُ ثِقَّتِي فِيكَ

ترجمه: به تو اعتماد دارم.

مثال: أضع ثقتي فيك لأنك تتحمل المسؤولية.

تلفظ مثال: أَضَعُ ثِقَّتِي فِيكَ لِأَنَّكَ تَتَحَمَّلُ الْمَسْئُولِيَّةَ.

ترجمه مثال: به تو اعتماد دارم چون مسئولیت‌پذیری.

لا علاقة له بـ

عبارت: لا علاقة له بـ

تلفظ: لَا عِلَاقَةَ لَهُ بِـ

ترجمه: ربطی به ... ندارد.

مثال: هذا القرار لا علاقة له بالمشكلة السابقة.

تلفظ مثال: هَذَا الْقَرَارُ لَا عِلَاقَةَ لَهُ بِالْمُسْكِلةِ السَّابِقَةِ.

ترجمه مثال: این تصمیم ربطی به مشکل قبلی ندارد.

أخذت بعين الاعتبار

عبارت: أخذت بعين الاعتبار

تلفظ: أَخَذْتُ بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ

ترجمه: در نظر گرفتم.

مثال: أخذت بعين الاعتبار ظروفك الخاصة.

تلفظ مثال: أَخَذْتُ بِعَيْنِ الْإِعْتِبَارِ ظُرُوفَكَ الْخَاصَّةَ.

ترجمه مثال: شرایط خاص تو را در نظر گرفتم.

حافظ علی وعده

عبارت: حافظ علی وعده

تلفظ: حَافِظٌ عَلَى وَعْدِهِ

ترجمه: به وعده‌اش وفا کرد.

مثال: حافظ علی وعده رغم الصعوبات.

تلفظ مثال: حَافِظٌ عَلَى وَعْدِهِ رَغْمَ الصُّعُوبَاتِ.

ترجمه مثال: با وجود دشواری‌ها به وعده‌اش وفا کرد.

لا ينبغي أن نلقي اللوم على

عبارت: لا ينبغي أن نلقي اللوم على

تلفظ: لَا يَنْبَغِي أَنْ نُلْقِيَ اللَّوْمَ عَلَى

ترجمه: نباید تقصیر را گردن ... بیندازیم.

مثال: لا ينبغي أن نلقي اللوم على الآخرين قبل التحقق.

تلفظ مثال: لَا يَنْبَغِي أَنْ نُلْقِيَ اللَّوْمَ عَلَى الْآخَرِينَ قَبْلَ التَّحَقُّقِ.

ترجمه مثال: نباید پیش از بررسی، تقصیر را گردن دیگران بیندازیم.

نحن في خندق واحد

عبارت: نحن في خندق واحد

تلفظ: نَحْنُ فِي خَنْدَقٍ وَاحِدٍ

ترجمه: ما هم سنگر/هم هدف هستیم.

مثال: لا نختلف حول الهدف؛ نحن في خندق واحد.

تلفظ مثال: لَا نَخْتَلِفُ حَوْلَ الْهَدَفِ؛ نَحْنُ فِي خَنْدَقٍ وَاحِدٍ.

ترجمه مثال: درباره هدف اختلافی نداریم؛ هم هدف هستیم.

أبقى على اطلاع بـ

عبارت: أبقى على اطلاع بـ

تلفظ: أَبْقَى عَلَى إِطْلَاعٍ بِـ

ترجمه: در جریان ... می مانم.

مثال: سأبقى على اطلاع بتطورات المشروع.

تلفظ مثال: سَأَبْقَى عَلَى إِطْلَاعٍ بِتَطَوُّرَاتِ الْمَشْرُوعِ.

ترجمه مثال: در جریان تحولات پروژه می مانم.

يستحق كل التقدير

عبارت: يستحق كل التقدير

تلفظ: يَسْتَحِقُّ كُلَّ التَّقْدِيرِ

ترجمه: شایسته قدردانی کامل است.

مثال: جهده الكبير يستحق كل التقدير.

تلفظ مثال: جُهِدُهُ الْكَبِيرُ يَسْتَحِقُّ كُلَّ التَّقْدِيرِ.

ترجمه مثال: تلاش بزرگ او شایسته قدردانی کامل است.

۹. سفر، خدمات و موقعیت‌های رسمی

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

هل يمكن أن تدلني على

عبارت: هل يمكن أن تدلني على

تلفظ: هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ تَدُلَّنِي عَلَى

ترجمه: می‌توانید راهنمایی‌ام کنید؟

مثال: هل يمكن أن تدلني على أقرب محطة؟

تلفظ مثال: هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ تَدُلَّنِي عَلَى أَقْرَبِ مَحْطَةٍ؟

ترجمه مثال: می‌توانید نزدیک‌ترین ایستگاه را به من نشان دهید؟

أرغب في الاستفسار عن

عبارت: أرغب في الاستفسار عن

تلفظ: أَرْغَبُ فِي الْإِسْتِفْسَارِ عَنْ

ترجمه: مایلم درباره ... پرس‌وجو کنم.

مثال: أرغب في الاستفسار عن مواعيد الرحلات.

تلفظ مثال: أَرْغَبُ فِي الْإِسْتِفْسَارِ عَنْ مَوَاعِيدِ الرِّحَالِ.

ترجمه مثال: مایلم درباره زمان پروازها پرس‌وجو کنم.

هل يتضمن السعر

عبارت: هل يتضمن السعر

تلفظ: هَلْ يَتَّصِمُ السَّعْرُ

ترجمه: آیا قیمت شامل ... می‌شود؟

مثال: هل يتضمن السعر وجبة الإفطار؟

تلفظ مثال: هَلْ يَتَّصِمُ السَّعْرُ وَجْبَةَ الْإِفْطَارِ؟

ترجمه مثال: آیا قیمت شامل صبحانه می‌شود؟

أود تقديم شكوى

عبارت: أود تقديم شكوى

تلفظ: أَوْدُ تَقْدِيمَ شَكْوَى

ترجمه: مايلم شکایتی ثبت کنم.

مثال: أود تقديم شكوى بشأن الخدمة.

تلفظ مثال: أَوْدُ تَقْدِيمَ شَكْوَى بِشَأْنِ الْخِدْمَةِ.

ترجمه مثال: مايلم درباره خدمات شکایت ثبت کنم.

يرجى أخذ العلم بأن

عبارت: يرجى أخذ العلم بأن

تلفظ: يُرْجَى أَخْذُ الْعِلْمِ بِأَنْ

ترجمه: لطفاً توجه داشته باشید که.

مثال: يرجى أخذ العلم بأن الموعد قد تغير.

تلفظ مثال: يُرْجَى أَخْذُ الْعِلْمِ بِأَنْ الْمَوْعِدَ قَدْ تَغَيَّرَ.

ترجمه مثال: لطفاً توجه داشته باشید که زمان تغییر کرده است.

وفقاً للأنظمة المعمول بها

عبارت: وفقاً للأنظمة المعمول بها

تلفظ: وَفْقاً لِلْأَنْظِمَةِ الْمَعْمُولِ بِهَا

ترجمه: مطابق مقررات جاری.

مثال: وفقاً للأنظمة المعمول بها، يلزم تقديم الوثيقة.

تلفظ مثال: وَفْقاً لِلْأَنْظِمَةِ الْمَعْمُولِ بِهَا، يَلْزَمُ تَقْدِيمُ الْوَثِيقَةِ.

ترجمه مثال: مطابق مقررات جاری، ارائه مدرک لازم است.

لا أملك معلومات كافية

عبارت: لا أملك معلومات كافية

تلفظ: لا أملك معلومات كافية

ترجمه: اطلاعات کافی ندارم.

مثال: لا أملك معلومات كافية للإجابة عن هذا السؤال.

تلفظ مثال: لا أملك معلومات كافية للإجابة عن هذا السؤال.

ترجمه مثال: برای پاسخ به این سؤال اطلاعات کافی ندارم.

شكراً لحسن تعاونكم

عبارت: شكراً لحسن تعاونكم

تلفظ: شكراً لحسن تعاونكم

ترجمه: از همکاری شایسته شما سپاسگزارم.

مثال: شكراً لحسن تعاونكم، ومنتظر ردكم.

تلفظ مثال: شكراً لحسن تعاونكم، ومنتظر ردكم.

ترجمه مثال: از همکاری شما سپاسگزاریم و منتظر پاسخ تان هستیم.

۱۰. جمع‌بندی، تأکید و عبارات پیشرفته

این فصل مجموعه‌ای از الگوهای پرتکرار را در بر می‌گیرد. به کاربرد حرف اضافه‌ها، ساختار جمله و تفاوت لحن رسمی و روزمره توجه کنید.

خلاصة القول

عبارت: خلاصة القول

تلفظ: خُلَاصَةُ الْقَوْلِ

ترجمه: خلاصه اینکه.

مثال: خلاصة القول، نحتاج إلى خطة أكثر واقعية.

تلفظ مثال: خُلَاصَةُ الْقَوْلِ، نَحْتَاجُ إِلَى خُطَّةٍ أَكْثَرَ وَاقِعِيَّةٍ.

ترجمه مثال: خلاصه اینکه، به طرحی واقع‌بینانه‌تر نیاز داریم.

من هذا المنطلق

عبارت: من هذا المنطلق

تلفظ: مِنْ هَذَا الْمُنْطَلَقِ

ترجمه: از این منظر/بر این اساس.

مثال: من هذا المنطلق، اقترح عقد اجتماع جديد.

تلفظ مثال: مِنْ هَذَا الْمُنْطَلَقِ، أَقْتَرِحُ عَقْدَ إِجْتِمَاعٍ جَدِيدٍ.

ترجمه مثال: بر این اساس، پیشنهاد می‌کنم جلسه جدیدی برگزار شود.

على حد علمي

عبارت: على حد علمي

تلفظ: عَلَى حَدِّ عِلْمِي

ترجمه: تا جایی که می‌دانم.

مثال: على حد علمي، لم يصدر القرار النهائي بعد.

تلفظ مثال: عَلَى حَدِّ عِلْمِي، لَمْ يَصْدُرِ الْقَرَارُ النَّهَائِيُّ بَعْدَ.

ترجمه مثال: تا جایی که می‌دانم، تصمیم نهایی هنوز صادر نشده است.

لا يخفى على أحد أن

عبارت: لا يخفى على أحد أن

تلفظ: لَا يَخْفَى عَلَى أَحَدٍ أَنْ

ترجمه: بر کسی پوشیده نیست که.

مثال: لا يخفى على أحد أن الوقت عامل حاسم.

تلفظ مثال: لَا يَخْفَى عَلَى أَحَدٍ أَنَّ الْوَقْتَ عَامِلٌ حَاسِمٌ.

ترجمه مثال: بر کسی پوشیده نیست که زمان عاملی تعیین کننده است.

يجدر بنا أن

عبارت: يجدر بنا أن

تلفظ: يَجْدُرُ بِنَا أَنْ

ترجمه: شایسته/بہتر است کہ.

مثال: يجدر بنا أن نراجع أولوياتنا.

تلفظ مثال: يَجْدُرُ بِنَا أَنْ نُرَاجِعَ أَوْلَوِيَّاتِنَا.

ترجمه مثال: بهتر است اولویت هایمان را بازبینی کنیم.

ليس من قبيل المصادفة أن

عبارت: ليس من قبيل المصادفة أن

تلفظ: لَيْسَ مِنْ قَبِيلِ الْمُصَادَفَةِ أَنْ

ترجمه: تصادفی نیست کہ.

مثال: ليس من قبيل المصادفة أن ينجح المجتهدون.

تلفظ مثال: لَيْسَ مِنْ قَبِيلِ الْمُصَادَفَةِ أَنْ يَنْجَحَ الْمُجْتَهِدُونَ.

ترجمه مثال: تصادفی نیست که سخت کوشان موفق می شوند.

تبقى المسألة مفتوحة

عبارت: تبقى المسألة مفتوحة

تلفظ: تَبْقَى الْمَسْأَلَةُ مَفْتُوحَةً

ترجمه: موضوع همچنان باز است.

مثال: تبقى المسألة مفتوحة إلى حين صدور التقرير.

تلفظ مثال: تَبْقَى الْمَسْأَلَةُ مَفْتُوحَةً إِلَى حِينِ صُذُورِ التَّقْرِيرِ.

ترجمه مثال: موضوع تا زمان انتشار گزارش همچنان باز می ماند.

لا بد من الإشارة إلى أن

عبارت: لا بد من الإشارة إلى أن

تلفظ: لَا بُدَّ مِنَ الْإِشَارَةِ إِلَى أَنَّ

ترجمه: باید اشاره کرد که.

مثال: لا بد من الإشارة إلى أن النتائج أولية.

تلفظ مثال: لَا بُدَّ مِنَ الْإِشَارَةِ إِلَى أَنَّ النَّتَائِجَ أَوَّلِيَّةٌ.

ترجمه مثال: باید اشاره کرد که نتایج اولیه هستند.

پیوست: الگوهای دستوری سودمند

برای تولید جمله‌های تازه، می‌توان عبارتهای این مجموعه را با الگوهای زیر ترکیب کرد: «من الأفضل أن + فعل» برای پیشنهاد، «لا شك في أن + جمله» برای تأکید، «بصرف النظر عن + اسم» برای بیان صرف نظر کردن و «كلما + فعل، ازداد/تحسن + نتیجه» برای رابطه تدریجی. در نوشتار رسمی، عبارتهایی مانند «يرجى أخذ العلم بأن»، «وفقاً للأنظمة المعمول بها» و «لا بد من الإشارة إلى أن» مناسب‌ترند. در گفت‌وگوی دوستانه، ساختارهای کوتاه‌تری مانند «لا عليك»، «خذ وقتك» و «على كل حال» طبیعی‌تر شنیده می‌شوند.

تمرین‌های پیشنهادی

۱. از هر فصل سه عبارت انتخاب کنید و برای هر کدام یک جمله درباره زندگی یا کار خود بنویسید. ۲. مثال‌های فارسی را بپوشانید و معادل عربی را از حافظه بازسازی کنید. ۳. عبارتهای هم‌معنی را کنار هم قرار دهید و تفاوت لحن آن‌ها را توضیح دهید. ۴. یک گفت‌وگوی کوتاه هشت خطی بنویسید و دست‌کم پنج عبارت از این دفتر را در آن به کار ببرید.

منابع پیشنهادی برای مطالعه بیشتر

برای بررسی دقیق‌تر ریشه‌ها، ضبط‌ها و کاربردهای واژگانی، مراجعه به فرهنگ‌های معتبر عربی و پیکره‌های متنی توصیه می‌شود. این جزوه یک منبع آموزشی منتخب است و جایگزین فرهنگ لغت یا دوره جامع دستور زبان نیست.

— پایان —

فلش کارت‌های مرور سریع

این بخش برای مرور سریع طراحی شده است. ابتدا فقط عبارت عربی را بخوانید و معنی و مثال را از حافظه حدس بزنید؛ سپس پاسخ را بررسی کنید. برای چاپ، می‌توانید هر کارت را جداگانه برش دهید یا صفحه را به صورت یک برگه مرور نگه دارید.

کارت 1

کیف حالک؟

كَيْفَ حَالُكَ؟

معنی: حالت چطور است؟

مثال: کیف حالک الیوم؟

ترجمه مثال: امروز حالت چطور است؟ امیدوارم خوب باشی.

کارت 2

على الرحب والسعة

عَلَى الرَّحْبِ وَالسَّعَةِ

معنی: خواهش می‌کنم.

مثال: شکراً لمساعدتك.

ترجمه مثال: ممنون از کمکت. - خواهش می‌کنم.

لم أقصد ذلك

لَمْ أَقْصِدْ ذَلِكَ

معنی: منظورم این نبود.

مثال: لم أقصد ذلك، أرجو أن تعذرني.

ترجمه مثال: می فهمم عصبانی هستی، اما منظورم این نبود.

في رأيي

فِي رَأْيِي

معنی: به نظر من.

مثال: في رأيي، هذا الحل أفضل.

ترجمه مثال: به نظر من، ساده‌ترین راه حل بهترین است.

من ناحية أخرى

مِنْ نَاحِيَةٍ أُخْرَى

معنی: از سوی دیگر.

مثال: من ناحية أخرى، علينا الانتظار.

ترجمه مثال: پروژه مفید است، اما از سوی دیگر به تأمین مالی نیاز دارد.

لا شك في أن

لَا شَكَّ فِي أَنَّ

معنی: تردیدی نیست که.

مثال: لا شك في أن الوقت مهم.

ترجمه مثال: تردیدی نیست که آموزش پایه پیشرفت است.

أَتَّفَقَ مَعَكَ تَمَاماً

أَتَّفَقُ مَعَكَ تَمَاماً

معنی: کاملاً با تو موافقم.

مثال: أَتَّفَقَ مَعَكَ تَمَاماً فِي هَذِهِ النِّقْطَةِ.

ترجمه مثال: کاملاً با تو موافقم؛ این نکته مهمی است.

دَعْنَا نَصِلْ إِلَى حُلِّ وَسْطٍ

دَعْنَا نَصِلْ إِلَى حَلِّ وَسْطٍ

معنی: بیایید به راه حل میانه برسیم.

مثال: دَعْنَا نَصِلْ إِلَى حُلِّ وَسْطٍ يَرْضِي الْجَمِيعَ.

ترجمه مثال: می توانیم کمی کوتاه بیاییم و به راه حل میانه برسیم.

خذ وقتك

خُذْ وَقْتَكْ

معنی: عجله نکن.

مثال: لا تتعجل، خذ وقتك.

ترجمه مثال: برای پاسخ دادن عجله نکن، وقتت را بگذار.

من الأفضل أن

مِنْ الْأَفْضَلِ أَنْ

معنی: بهتر است که.

مثال: من الأفضل أن نراجع الخطة.

ترجمه مثال: بهتر است پیش از امضا قرارداد را بررسی کنیم.

لا يزال قيد الدراسة

لا يزال قيد الدراسة

معنى: هنوز در دست بررسی است.

مثال: الاقتراح لا يزال قيد الدراسة.

ترجمه مثال: پیشنهاد هنوز در دست بررسی است.

أحرز تقدماً ملحوظاً

أحرز تقدماً ملحوظاً

معنى: پیشرفت چشمگیری کرد.

مثال: أحرز الفريق تقدماً ملحوظاً.

ترجمه مثال: تیم در ماه گذشته پیشرفت چشمگیری کرد.

لا داعي للقلق

لا داعي للقلق

معنی: دلیلی برای نگرانی نیست.

مثال: لا داعي للقلق، كل شيء بخير.

ترجمه مثال: دلیلی برای نگرانی نیست؛ اقدامات لازم را انجام داده‌ایم.

أشعر بخيبة أمل

أشعرُ بِخَيْبَةٍ أَمَلٍ

معنی: احساس ناامیدی می‌کنم.

مثال: أشعر بخيبة أمل، لكنني سأحاول مجدداً.

ترجمه مثال: احساس ناامیدی می‌کنم، اما تسلیم نمی‌شوم.

هذا يفوق التوقعات

هذا يفوق التَّوَقُّعات

معنی: این فراتر از انتظارهاست.

مثال: النتيجة تفوق التوقعات.

ترجمه مثال: نتیجه نهایی فراتر از انتظارهاست.

تکمن المشكلة في

تَكْمُنُ الْمُسْكِلةُ فِي

معنی: مشکل در ... نهفته است.

مثال: تكمن المشكلة في نقص المعلومات.

ترجمه مثال: مشکل در نبود اطلاعات دقیق نهفته است.

لا مفر من

لا مَفَرَّ مِنْ

معنی: راه گریزی از ... نیست.

مثال: لا مفر من اتخاذ القرار.

ترجمه مثال: راه گریزی از گرفتن تصمیمی دشوار نیست.

تجنباً لـ

تَجَنَّباً لـ

معنی: برای جلوگیری از.

مثال: تجنباً للتأخير، أرسلنا الملف مبكراً.

ترجمه مثال: برای جلوگیری از تأخیر، مدارک را از قبل فرستادیم.

في نهاية المطاف

فِي نِهَائِيَةِ الْمَطَافِ

معنی: در نهایت.

مثال: في نهاية المطاف، نجح المشروع.
ترجمه مثال: در نهایت، حقیقت آشکار شد.

شيئاً فشيئاً

شَيْئاً فَشَيْئاً

معنی: کم کم.

مثال: تحسن مستواه شيئاً فشيئاً.
ترجمه مثال: سطح او کم کم بهتر شد.

منذ ذلك الحين

مُنْذُ ذَٰلِكَ الْحَيْنِ

معنی: از آن زمان تاکنون.

مثال: منذ ذلك الحين، تغير كل شيء.

ترجمه مثال: از آن زمان تاکنون با همان مشکل روبه‌رو نشده‌ایم.

أضع ثقتي فيك

أَضَعُ ثِقَّتِي فِيكَ

معنی: به تو اعتماد دارم.

مثال: أضع ثقتي فيك لأنك مسؤول.

ترجمه مثال: به تو اعتماد دارم چون مسئولیت‌پذیری.

علی حد علمی

عَلَى حَدِّ عِلْمِي

معنی: تا جایی که می دانم.

مثال: علی حد علمی، لم یصدر القرار.

ترجمه مثال: تا جایی که می دانم، تصمیم نهایی هنوز صادر نشده است.

خلاصة القول

خُلَاصَةُ الْقَوْلِ

معنی: خلاصه اینکه.

مثال: خلاصة القول، نحتاج إلى خطة جديدة.

ترجمه مثال: خلاصه اینکه، به طرحی واقع بینانه تر نیاز داریم.

لا عليك

لا عَلَيْكَ

معنی: اشکالی ندارد.

مثال: لا عليك، سنحاول مرة أخرى.

ترجمه مثال: ببخشید که دیر کردم. - اشکالی ندارد، مهم این است که رسیدی.

الأمر يعود إليك

الأمرُ يَعُودُ إِلَيْكَ

معنی: تصمیم با توست.

مثال: شرحت لك الخيارات، والأمر يعود إليك.

ترجمه مثال: گزینه‌ها را برایت توضیح دادم؛ تصمیم با توست.

بصرف النظر عن

بِصَرَفِ النَّظَرِ عَنِ

معنی: صرف نظر از.

مثال: بصرف النظر عن النتيجة، كانت التجربة مفيدة.
ترجمه مثال: صرف نظر از نتایج، تجربه مفید بود.

من المنطقي أن

مِنْ الْمَنْطِقِيِّ أَنْ

معنی: منطقی است که.

مثال: من المنطقي أن نتحقق أولاً.
ترجمه مثال: منطقی است که ابتدا اطلاعات را بررسی کنیم.

هذا أمر قابل للنقاش

هذا أمر قابل للنقاش

معنى: این موضوع قابل بحث است.

مثال: الاقتراح جيد، لكنه قابل للنقاش.
ترجمه مثال: پیشنهاد خوب است، اما قابل بحث است.

لنكن واقعيين

لِنَكُنْ واقِعِيَّين

معنى: واقع بین باشیم.

مثال: لنكن واقعيين؛ الوقت قصير.
ترجمه مثال: واقع بین باشیم؛ زمان موجود کم است.

لا أستطيع أن أتجاهل

لا أَستطیعُ أن أَتجاهلَ

معنی: نمی توانم نادیده بگیرم.

مثال: لا أستطيع أن أتجاهل هذه الملاحظة.

ترجمه مثال: نمی توانم این نکته مهم را نادیده بگیرم.

ينبغي معالجة الأمر

يَنبَغِي مُعَالَجَةُ الْأَمْرِ

معنی: باید به موضوع رسیدگی شود.

مثال: ينبغي معالجة الأمر بسرعة.

ترجمه مثال: باید پیش از وخیم تر شدن، به موضوع رسیدگی شود.

على المدى الطويل

عَلَى الْمَدَى الطَّوِيل

معنی: در بلندمدت.

مثال: هذا القرار مفيد على المدى الطويل.
ترجمه مثال: این سرمایه‌گذاری در بلندمدت مفید است.

في الآونة الأخيرة

فِي الْآوْنَةِ الْأَخِيرَةِ

معنی: اخیراً.

مثال: في الآونة الأخيرة، تغيرت طريقة العمل.
ترجمه مثال: اخیراً روش کار تغییر کرده است.

أرغب في الاستفسار عن

أَرْغَبُ فِي الاسْتِفْصَارِ عَنْ

معنى: مايلم درباره ... پرس وجو کنم.

مثال: أرغب في الاستفسار عن مواعيد الرحلات.
ترجمه مثال: مايلم درباره زمان پروازها پرس وجو کنم.

لا بد من الإشارة إلى أن

لَا بُدَّ مِنَ الْإِشَارَةِ إِلَى أَنَّ

معنى: باید اشاره کرد که.

مثال: لا بد من الإشارة إلى أن النتائج أولية.
ترجمه مثال: باید اشاره کرد که نتایج اولیه هستند.

سأضع ذلك في الحسبان

سَأَضَعُ ذَلِكَ فِي الْحُسْبَانِ

معنی: آن را در نظر خواهم گرفت.

مثال: سأضع ملاحظتك في الحسبان.

ترجمه مثال: ملاحظات را در نظر خواهم گرفت.

في غضون

فِي غُضُونٍ

معنی: در عرض

مثال: سأجيبك في غضون يومين.

ترجمه مثال: ظرف دو روز به تو پاسخ می دهم.

علی نحو متزاید

عَلَى نَحْوٍ مُتَزَايِدٍ

معنی: به طور فزاینده.

مثال: تزداد الحاجة إليه على نحو متزايد.
ترجمه مثال: نیاز به آن به طور فزاینده بیشتر می شود.

أبقى على اطلاع بـ

أَبْقَى عَلَى إِطْلَاعٍ بِـ

معنی: در جریان ... می مانم.

مثال: سأبقى على اطلاع بالتطورات.
ترجمه مثال: در جریان تحولات می مانم.

يستحق كل التقدير

يَسْتَحِقُّ كُلُّ التَّقْدِيرِ

معنی: شایسته قدرانی کامل است.

مثال: جهده يستحق كل التقدير.

ترجمه مثال: تلاش او شایسته قدرانی کامل است.

هل يمكن أن تدلني على

هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ تَدُلَّنِي عَلَى

معنی: می‌توانید راهنمایی ام کنید؟

مثال: هل يمكن أن تدلني على أقرب محطة؟

ترجمه مثال: می‌توانید نزدیک‌ترین ایستگاه را نشانم دهید؟

أود تقديم شكوى

أودُ تقديمَ شكوى

معنى: مايلم شکایتی ثبت کنم.

مثال: أود تقديم شكوى بشأن الخدمة.

ترجمه مثال: مايلم درباره خدمات شکایت ثبت کنم.

يرجى أخذ العلم بأن

يُرجى أخذُ العلمِ بأن

معنى: لطفاً توجه داشته باشید که.

مثال: يرجى أخذ العلم بأن الموعد تغير.

ترجمه مثال: لطفاً توجه داشته باشید که زمان تغییر کرده است.

وفقاً للأنظمة المعمول بها

وفقاً للأنظمة المعمول بها

معنى: مطابق مقررات جاری.

مثال: وفقاً للأنظمة، يلزم تقديم الوثيقة.
ترجمه مثال: مطابق مقررات، ارائه مدرک لازم است.

أرجو أن تعذرني

أرجو أن تعذرني

معنى: امیدوارم مرا ببخشی.

مثال: أرجو أن تعذرني على التأخير.
ترجمه مثال: امیدوارم مرا بابت تأخیر ببخشی.

لا أملك معلومات كافية

لا أملك معلومات كافية

معنى: اطلاعات کافی ندارم.

مثال: لا أملك معلومات كافية للإجابة.

ترجمه مثال: برای پاسخ اطلاعات کافی ندارم.

أحتاج إلى توضيح

أحتاج إلى توضيح

معنى: به توضیح نیاز دارم.

مثال: أحتاج إلى توضيح هذه النقطة.

ترجمه مثال: به توضیح این نکته نیاز دارم.

هل لي أن أسأل

هَلْ لِي أَنْ أَسْأَلَ

معنی: می توانم بپرسم؟

مثال: هل لي أن أسأل عن السبب؟

ترجمه مثال: می توانم درباره علت بپرسم؟

لا بأس بـ

لَا بَأْسَ بِـ

معنی: اشکالی ندارد.

مثال: لا بأس بالانتظار قليلاً.

ترجمه مثال: کمی صبر کردن اشکالی ندارد.

هذا يعتمد على

هذا يَعْتَمِدُ عَلَى

معنی: این بستگی دارد به.

مثال: هذا يعتمد على الظروف.

ترجمه مثال: این به شرایط بستگی دارد.

من المؤكد أن

مِنَ الْمُؤَكَّدِ أَنَّ

معنی: مطمئناً/قطعاً

مثال: من المؤكد أن التعاون مفيد.

ترجمه مثال: مطمئناً همکاری مفید است.

من المحتمل أن

مِنَ الْمُحْتَمَلِ أَنْ

معنی: احتمال دارد که.

مثال: من المحتمل أن يتغير الموعد.
ترجمه مثال: احتمال دارد زمان تغییر کند.

في أقرب وقت ممكن

فِي أَقْرَبِ وَقْتٍ مُمَكِنٍ

معنی: در اولین فرصت ممکن.

مثال: سأرسل الرد في أقرب وقت ممكن.
ترجمه مثال: پاسخ را در اولین فرصت ممکن می فرستم.

لا علاقة للأمر بـ

لا عَلاقَة لِالأَمْرِ بِـ

معنی: موضوع ربطی به ... ندارد.

مثال: لا علاقة للأمر بالمال.

ترجمه مثال: موضوع ربطی به پول ندارد.

من الضروري أن

مِنْ الضَّرُورَى أَنْ

معنی: ضروری است که.

مثال: من الضروري أن نتحقق من البيانات.

ترجمه مثال: ضروری است داده‌ها را بررسی کنیم.

من غير المعقول أن

مِنْ غَيْرِ الْمَعْقُولِ أَنْ

معنی: غیر منطقی است که.

مثال: من غير المعقول أن نرفض كل الحلول.

ترجمه مثال: غیر منطقی است که همه راه حل ها را رد کنیم.

في ضوء ذلك

فِي ضَوْءِ ذَلِكَ

معنی: با توجه به آن.

مثال: في ضوء ذلك، سنغير الخطة.

ترجمه مثال: با توجه به آن، طرح را تغییر می دهیم.

تحت أي ظرف

تَحْتَ أَيِّ ظَرْفٍ

معنی: تحت هیچ شرایطی/در هر شرایطی.

مثال: لن أقبل بذلك تحت أي ظرف.

ترجمه مثال: تحت هیچ شرایطی آن را نمی‌پذیرم.

إلى حد كبير

إِلَى حَدٍّ كَبِيرٍ

معنی: تا حد زیادی.

مثال: ساعدني هذا الكتاب إلى حد كبير.

ترجمه مثال: این کتاب تا حد زیادی به من کمک کرد.

تمرین‌های فلش کارت

در این بخش، ابتدا پاسخ را بدون نگاه کردن به متن کارت‌ها بنویسید و سپس با نمونه صحیح مقایسه کنید. هدف تمرین، تبدیل عبارتهای آماده به جمله‌های شخصی و قابل استفاده در گفت‌وگو و نوشتار است.

تمرین ۱: بازسازی جمله

برای هر عبارت، یک جمله تازه درباره خودتان بنویسید: «في رأيي»، «على المدى الطويل»، «لا داعي للقلق»، «من الأفضل أن» و «في نهاية المطاف».

تمرین ۲: ترجمه معکوس

ترجمه فارسی پنج مثال از کارت‌ها را بخوانید و آن‌ها را به عربی بازسازی کنید. سپس به کارت مربوط مراجعه کنید و تفاوت‌های واژگانی و دستوری را علامت بزنید.

تمرین ۳: گفت‌وگوی کوتاه

یک گفت‌وگوی هشت خطی میان دو همکار بنویسید و دست‌کم شش عبارت از فلش‌کارت‌ها را در آن به کار ببرید. یکی از طرفین باید پیشنهاد بدهد و دیگری موافقت یا مخالفت خود را بیان کند.

تمرین ۴: دسته‌بندی کاربردی

کارت‌ها را در چهار گروه روزمره، نظر و استدلال، کار و برنامه‌ریزی، و موقعیت رسمی دسته‌بندی کنید. برای هر گروه دو عبارت مناسب‌تر را انتخاب و دلیل انتخاب خود را بنویسید.

تمرین ۵: مرور فاصله‌دار

کارت‌ها را در روزهای اول، سوم، هفتم و چهاردهم مرور کنید. کارت‌هایی را که دشوارتر هستند جدا کنید و برای آن‌ها جمله شخصی و ضبط صوتی کوتاه تهیه کنید.